چارچوب عمومی مدیریت بدهی شخصی

در اسلام، مبتنی بر تحلیل محتوای روایات*

□ وحید مقدم[۱]
□ محمد عترت دوست[۲]
□ علی خلیلی[۳]

چکیده

قرض و بدهی شخصی، بخش ناگزیر یک نظام مالی است. اسلام به عنوان یک دین جامع، دارای آیات، روایات و مباحث فقهی گسترده‌ای در زمینهٔ معاملات و مسائل مالی است، لذا در زمینهٔ مدیریت قرض و بدهی، باید دارای یک نظام منسجم باشد که در قالب آن، نیازهای بدهکار و طلبکار به خوبی پاسخ داده شده و حقوق آنها نیز کاملاً استیفا شود. گیرندهٔ وام، نیازمند صدقه نیست و تنها تا زمان کسب درآمد در آینده، به دنبال پوشش دادن کسری درآمد خود است. دهندهٔ وام نیز، به دنبال انفاق بخشی از ثروت خود، در قالب دادن قرض‌الحسنه به نیازمندان است. مقاله، حاضر با تحلیل محتوای مضمونی ۱۹۷ روایت مرتبط با مدیریت بدهی از کتاب جامع احادیث شیعه، به این نتیجه می‌رسد که اسلام،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۲ ـ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷.

۱. استادیار دانشکدهٔ اهل البیت دانشگاه اصفهان (v.moghadam@ahl.ui.ac.ir).
۲. استادیار دانشکدهٔ اهل البیت دانشگاه اصفهان (janpoor@gmail.com).
۳. استادیار دانشکدهٔ اهل البیت دانشگاه اصفهان (khalili.ali1366@yahoo.com).

چارچوب لازم برای مدیریت مطلوب بازار قرض و بدهی را با جزئیات زیاد پیش‌بینی کرده است و کلید آن را، تسویهٔ به موقع و کامل بدهی می‌داند.
واژگان کلیدی: مدیریت بدهی، روایات، قرض‌الحسنه، تحلیل محتوای مضمونی.

مقدمه

سبک زندگی، از جمله موضوعاتی است که اخیراً مورد توجه سیاست‌گذاران فرهنگی کشور قرار گرفته و تلاش می‌شود تا در موضوعات مختلف، سبک زندگی اسلامی استخراج شود، اگرچه این مفهوم، کاربردها و معانی کم و بیش متفاوتی دارد، اما در رایج‌ترین و عام‌ترین کاربرد، این اصطلاح به مفهوم‌بندی راه‌های بدیل زندگی می‌پردازد که از طریق ارزش‌ها و شیوه‌های مصرف وابسته به تمایز فزاینده در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته، آشکار می‌شود (مارشال، ۱۳۸۸، ۶۶۱).

امروزه با سیطرهٔ همه جانبهٔ غرب در جهان، به‌ویژه در حوزهٔ سبک زندگی و الگوهای مصرف، تقریباً همه کشورها به سمت همگرایی فرهنگی و در اصل، وابستگی فرهنگی به جامعهٔ غربی، به‌ویژه آمریکا، پیش رفته و به تدریج در حال غربی کردن سبک زندگی خود هستند. اما این سؤال مطرح است که آیا، این تنها الگوی موجود برای داشتن جامعه‌ای سالم و موفق است؟ آیا جامعهٔ مدنی در دل خود، دارای مشکلات نظری و عملی نیست و افق سعادت و سلامت همه جانبه را با غایتی روشن، پیش روی بشر گسترانیده است؟

در مقابل این سؤالات، همیشه بحث از جامعهٔ اسلامی یا اسلامی کردن جامعه به عنوان الگویی متفاوت، در کشور ما در میان اسلام‌شناسان و اندیشمندان مسلمان مطرح بوده است، به گونه‌ای که انقلاب اسلامی را گامی در جهت احیای دین الهی می‌دانند که ثمرهٔ آن، باید تکوین سبک‌های زندگی برآمده از ایدئولوژی اسلامی در حوزه‌های مختلف، از جمله حوزهٔ اقتصاد، یعنی سبک زندگی اقتصادی باشد. اسلام به عنوان یک دین جامع، همهٔ حوزه‌های زندگی را به صورتی سازگار و هماهنگ مدیریت می‌کند که نتیجهٔ آن، سامان یافتن زندگی دنیوی و ابدی است و از آنجا که زیربنای

ایدئولوژیک جامعهٔ ایران، برگرفته از دو ثقل اکبر و اصغر است که بنا بر فرمودهٔ رسول مکرم اسلامﷺ: «تا مادامی که متمسّک به آن دو باشید، هیچ گاه گمراه نخواهید شد»[۱].

از جمله مهم‌ترین تفاوت‌های نظام اقتصادی اسلام با سرمایه‌داری، حرمت ربا در اسلام است. با وجود حرمت ربا در دین اسلام، آیا اسلام توانایی ساماندهی یک نظام اقتصادی غیر ربوی را دارد؟ و برای این کار از چه ابزارهایی بهره می‌برد؟ این موضوع دارای ابعاد گسترده‌ای است، چراکه نظام‌های مالی و پولی، امروزه بسیار پیچیده و دارای عناصر مختلفی هستند. یکی از بخش‌های نظام مالی، بخش تأمین مالی است که خود به سه بخش عمومی، شخصی و خصوصی قابل تقسیم است که به ترتیب به دولت، خانوارها و بنگاه‌ها مربوط می‌شود. بخش شخصی در سال‌های اخیر تحت عنوان مالیهٔ شخصی، توسعهٔ زیادی یافته است که تلاش می‌کند به اشخاص و خانوارها برای مدیریت بهتر درآمدها و مخارج خود مشاوره بدهد. بعضی از بخش‌های مالیهٔ شخصی عبارت‌اند از: پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، مالیات‌ها و انواع بیمه‌ها.

یکی از بخش‌های مهمی که ممکن است با اسلام در تعارض قرار گیرد، بخش مدیریت بدهی، به‌ویژه بدهی پولی و مالی است. دلیل این امر از یک سو، آموزهٔ حرمت ربا در اسلام است که اجازهٔ گرفتن هرگونه قرضی، به‌جز قرض بدون زیاده را به فرد نمی‌دهد و از سوی دیگر، کراهت گرفتن قرض در اسلام است. این در حالی است که در غرب، هیچ کدام از این دو محدودیت وجود ندارد. با این حال، قابل انکار نیست که افراد در بعضی از مقاطع زندگی خود، با مشکلات مالی مواجه می‌شوند، اما نیازمند صدقه به‌عنوان کمک بلاعوض نیستند، چراکه با جریان درآمدی خود در آینده، قادر به بازپرداخت آن هستند. از طرف دیگر، نیاز آنها تأمین کسری مخارج و نه سرمایه‌گذاری است و لذا عقود نوع دوم (مانند خرید اقساطی، مضاربه، استصناع و غیره) برای آنها مناسب نیست. اسلام برای حل این مشکل چه چاره‌ای اندیشیده است؟

---

۱. بخش از روایت «إنّی تارك فیكم أمرین، إن أخذتم بهما لن تضلّوا: كتاب الله عزوجل وأهل بیتی عترتی» (کلینی، ۱۳۷۹، اصول کافی، کتاب الحجه، باب الإشارة والنصّ علی أمیرالمؤمنینؑ).

اگرچه احکام بدهی در اسلام، کاملاً بررسی شده و کتب فقهی از دیرباز به احکام دائن و مدیون پرداخته‌اند، اما بیشتر کارهای تحقیقاتی به زبان فارسی، رنگ و بوی فقهی داشته است، در حالی که بخشی از معارف اسلامی، به حوزهٔ مدیریت عرصه‌های مختلف زندگی، از جمله مدیریت بدهی مربوط می‌شود. به این معنا که، چگونه اعتقادات، اخلاق و رفتار افراد شکل داده شده و مدیریت شوند، تا هم افرادی که نیاز به وام قرض‌الحسنه دارند و هم افرادی که بخشی از پول خود را حاضرند به دیگران وام قرض‌الحسنه بدهند، بتوانند در این بازار خیر مشارکت کنند.

مطالعهٔ حاضر در نظر دارد بخشی از این معارف موجود در زمینهٔ بدهی و نحوهٔ مدیریت آن را که در روایات ظاهر شده‌اند، به روش تحلیل محتوای مضمونی مورد بازکاوی قرار دهد و برای این منظور، در بخش‌های ذیل سامان یافته است. ابتدا بدهی و قرض و مدیریت قرض و اهمیت آن توضیح داده شده و سپس، الگوی اسلام برای مدیریت بدهی تبیین می‌شود و در ادامه روش تحقیق، جامعهٔ آماری و نتایج تحلیل روایات توضیح داده می‌شود. در نهایت، نتایج تبیین شده و به سؤالات تحقیق پاسخ داده می‌شود.

الف. قرض و مدیریت قرض

به علت تحریم ربا، نظام مالی اسلام برای تجهیز و تخصیص منابع، سه راه عمده پیش‌بینی کرده است: تبرّعات، قرض‌الحسنه و عقود مبادله‌ای و مشارکتی (محقق‌نیا، ۱۳۸۸، ۱۴۱). صدقات یا تبرّعات، برای نیازمندانی استفاده می‌شود که امیدی به بازپرداخت بدهی خود ندارند، از جمله ایتام یا زنان بدون سرپرست. عقود مبادله‌ای و مشارکتی، برای تأمین کسری سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود. قرض‌الحسنه، مناسب افرادی است که در آینده توان پرداخت قرض خود را دارند، اما برای تأمین مخارج مصرفی خود در حال حاضر، دچار کسری هستند. این نیاز، از طریق بازار قرض‌الحسنه برآورده می‌شود. گرفتن قرض‌الحسنه، یکی از اسباب دین یا بدهی افراد به شمار می‌آید.

بدهی، عبارت است از مبلغی پول یا دارایی که نزد اشخاص حقیقی یا حقوقی معیّنی بوده، ولی به شخص یا مؤسّسهٔ دیگری تعلق داشته باشد. به بیان دیگر، بدهی

همان بیان پولی ادعا یا حقّ طلبکار به‌شمار می‌رود (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ۱۵۷). یا طبق تعریف ساده‌تر، بدهی عبارت است از مصرف و سرمایه‌گذاری با دارایی دیگران. بدهی اسباب متفاوتی دارد که مهم‌ترین آن قرض کردن است و آن عبارت است از این که مالی را با ضمان، ملک دیگری نماید، به این که به عهدهٔ او باشد و خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را بپردازد و به تملیک کننده، «مقرض» و به قبول کنندهٔ ملک، «مقترض» و «مستقرض» گفته می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۷، ۷۳۸).

به علت تحریم ربا، مدیریت بدهی در اسلام، کاملاً متفاوت با غرب است، چراکه در غرب می‌توان با قرض گرفتن، دست به مصرف و سرمایه‌گذاری زد، اما در اسلام، حداقل به دو دلیل چنین امکانی وجود ندارد: اولاً، اسلام عقود دیگری مانند شرکت و مضاربه را برای سرمایه‌گذاری در نظر دارد و ثانیاً، در فقه اسلامی، عموماً قرض دارای سررسید شمرده نمی‌شود و به مجرد تقاضای وام دهنده، باید طلب وی پرداخت شود و بنابراین، امکان راه‌اندازی کسب و کار با آن وجود ندارد. لذا، مدیریت بدهی تا حد زیادی به مدیریت قرض تحویل می‌یابد، اگرچه هم چنان معنادار است. در مطالعهٔ حاضر، مدیریت بدهی، معادل مدیریت قرض به کار رفته است.

در یک نظام مالی، به عنوان زیر مجموعهٔ یک نظام اقتصادی، همواره گروهی نیازمند قرض کردن از دیگران هستند، چراکه به هر دلیل ممکن است در زمانی نتوانند با درآمد خود، به همهٔ مخارج خود پاسخ گویند و به اصطلاح، دچار کسری مخارج شوند، اما با درآمد انتظاری خود می‌توانند اقساط وام دریافتی را بپردازند و لذا، نه تمایل دارند و نه شایسته است که از صدقات استفاده نمایند. اسلام باید برای مدیریت بهینهٔ این وضعیت، دارای راهکار باشد.

اهمیّت بدهی و مدیریت آن در اسلام از چند جنبه است: یکی طراحی یک نظام مالی اسلامی که مدیریت بدهی، بخشی از آن به‌شمار می‌رود و دیگری، تأثیری که بدهکاری می‌تواند بر رابطهٔ بین انسان و خداوند داشته باشد. بدهی، موجب پدید آمدن نوع خاصی از روابط بین طلبکار و بدهکار می‌شود که داری اثرات گوناگون روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است و طبعاً می‌تواند بر رابطهٔ انسان

با خداوند نیز تأثیر بگذارد و از آنجا که هدف از خلقت انسان، عبودیّت خداوند است،[۱] بدهی باید به گونه‌ای مدیریت شود که کم‌ترین اثر منفی و بیشترین اثر مثبت را بر عبودیّت خداوند داشته باشد. به علاوه، خداوند تنها رازق انسان است[۲] و قرض کردن از دیگری در نظر اول، به منزلهٔ طلب رزق از غیر خدا است. آیا دین مبین اسلام، اجازهٔ قرض کردن را می‌دهد و اگر پاسخ مثبت است، در چه شرایطی؟ و در حالت کلی‌تر، دین جامع اسلام، چه الگویی برای مدیریت بدهی شخصی در نظام اقتصادی خود دارد؟

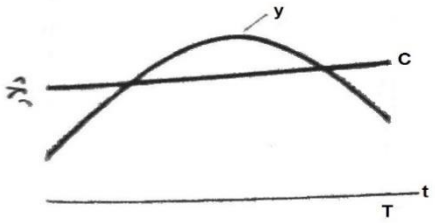
بدهی در نظام اقتصادی غرب، دارای اهمیّت بسیار زیادی است و یکی از کارکردهای اصلی آن، تأمین مالی مخارج افراد است که خود، موتور محرّکهٔ اقتصاد غرب به شمار می‌آید. فرضیهٔ سیکل زندگی[۳] از مهم‌ترین نظریات اقتصادی است که جایگاه بدهی را در زندگی یک فرد نوعی غربی نشان می‌دهد. در ذیل، به صورت خلاصه بدان می‌پردازیم:

این نظریه معتقد است که علاوه بر تغییر موجودی ثروت خانوار، که سطح مصرف خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، رفتار مصرفی و الگوی درآمد مردم در طول عمر نیز در چگونگی آن مؤثر است. جریان درآمدی فرد نوعی، در ابتدا و اواخر عمر، کم و در دوران میانی عمر، بیشتر است، ولی سطح مصرف در تمام دوران زندگی، یا ثابت است و یا روند افزایشی خفیف دارد؛ یعنی فرد نوعی می‌کوشد در اوایل عمر با قرض کردن و در اواخر عمر با استفاده از مازادهای دوران میانی عمر، مصرف خود را در حد ثابتی نگه دارد. در حقیقت، هر فرد می‌خواهد مطلوبیت حاصل از مصرف در کلّ سال‌های زندگی را، با در نظر گرفتن محدودیت درآمد در کلّ عمرش بیشینه کند. بر اساس این نظریه، بدهکار شدن فرد نوعی در طول حیات، به‌ویژه در سنین جوانی، یک بخش اجتناب ناپذیر از زندگی او می‌باشد. نمودار زیر بیانگر نظریهٔ سیکل مصرف است:

---

۱. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات / ۵۶).
۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ (ذاریات / ۵۸).

3. life - cycle hypothesis.



نمودار ۱. نظریه سیکل زندگی (آندو و مودیلیانی، ۱۹۶۳)

منحنی y، نشان دهندهٔ درآمد فرد نوعی است که معمولاً در دوران تحصیلات دانشگاهی (دورهٔ اول زندگی)، درآمدی ندارد و برای پرداخت مخارج تحصیل و یک‌نواخت کردن مصرف در طول دوران زندگی‌اش، مجبور به استقراض است (خط افقی مصرف در نمودار). وی، با ورود به بازار کار در دورهٔ دوم زندگی، نه تنها دیون خود را می‌پردازد، بلکه مازاد آن را به دیگران قرض داده (دیگرانی که احتمالاً در دورهٔ اول زندگی خود قرار دارند) و برای دورهٔ سوم زندگی خود، یعنی بازنشستگی ثروت می‌اندوزد (منکیو، ۱۳۹۱، ۵۸۳).

به دلیل عدم تحریم ربا در غرب - هرچند با نام متفاوت بهره - افراد، هموار کردن مصرف در طول دورهٔ زندگی خود را با گرفتن وام با بهره انجام می‌دهند، اما یک فرد مسلمان، قادر به انجام چنین کاری با گرفتن وام ربوی نیست و لذا، این کار را باید با استفاده از وام قرض‌الحسنه انجام دهد. البته، قرض‌الحسنه یکی از انواع قرض مصطلح است و دارای همان ابعاد حقوقی است. اما مراد از وام نیکو، ابعاد اخلاقی و اعتقادی خاص آن می‌باشد که عبارت است از این که انسان، مقداری از مال حلال خود را با نیّت خالصانه و بدون منّت و برای مصرف در امور حلال، در اختیار برادر دینی خود قرار دهد (بیدار، ۱۳۹۱، ۹۹). هادوی‌نیا، وام نیکو را متضمّن نیاز وام‌گیرنده در طرف تقاضا و علاقهٔ وام‌دهنده به ثواب اخروی در طرف عرضه می‌داند (به نقل از عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵، ۱۵).

با تکیه بر تعریف آخر، یعنی تکیه بر بازار قرض‌الحسنه، این سؤال پیش می‌آید که اسلام برای مدیریت این بازار، چه ضوابط و چارچوب کلّی مقرر کرده است.

ب. مروری بر مطالعات انجام شده

مطالعات در زمینهٔ قرض‌الحسنه و بدهی را، می‌توان در دو دستهٔ کلی- فقهی و اقتصادی - مالی جای داد.

فقها، معمولاً در کتاب الدین و کتاب القرض، به تفصیل احکام دین و قرض را مورد بررسی قرار می‌دهند. به علت مشابهت عمدهٔ این احکام با یکدیگر، بررسی خود را به کتاب **تحریر الوسیلهٔ** امام خمینی (۱۳۶۷)، که شامل فتاوای ایشان در تمامی ابواب فقه به روش غیراستدلالی است، محدود می‌کنیم. کتاب الدین، دارای **۱۹** مسأله و کتاب القرض نیز، دارای **۱۹** مسأله است که به‌طور خلاصه و تا آنجا که به مسألهٔ تحقیق حاضر مربوط است، می‌توان نحوهٔ مدیریت بدهی در آن را در پنج بخش، به‌صورت ذیل استخراج نمود:

۱. **وظایف گیرندهٔ وام قبل از گرفتن آن:** قرض گرفتن بدون احتیاج، مکروه است و با افزایش نیاز، کراهت آن سبک می‌شود تا آنجا که برای حفظ جان یا آبرو، کراهت آن از بین رفته و واجب می‌شود (مسأله ۱، کتاب قرض).

۲. **وظایف مسلمین در برابر دادن قرض به یکدیگر:** قرض دادن به مؤمن، به‌ویژه نیازمندان، مستحب مؤکّد می‌باشد (مسأله ۲، کتاب قرض)، اما شرط زیادت در آن، یعنی ربا، جایز نیست (مسأله ۹، کتاب قرض).

۳. **وظایف بدهکار:** در صورتی که بدهی حال باشد و فرد دارای تمکّن مالی باشد، پرداخت آن واجب است و الّا خیر (مسأله ۱، کتاب دین). هنگام رسیدن وقت دین و مطالبهٔ طلبکار، بر بدهکار واجب است به هر وسیله‌ای، حتی با فروش یا اجارهٔ املاک، در ادای آن سعی نماید، مگر آنچه در گذران زندگی بدان نیاز دارد، از جمله منزل و اثاث آن (مسأله ۱۰، کتاب دین)، البته منزلی که بیش از شأن وی نباشد (مسأله ۱۱، کتاب دین). هرچند ادای دین بر شخص تنگدست واجب نیست، اما در صورت داشتن قدرت بر ادا، سهل‌انگاری در آن، معصیت است (مسأله ۱۷، کتاب دین). مستحب است قرض‌گیرنده، مقداری بیشتر از مقدار دین خود، ادا کند (مسأله ۱۱، کتاب قرض).

٤. حقوق و وظایف طلبکار: طلبکار می‌تواند هر زمان بخواهد - حتی قبل از برطرف شدن نیاز قرض‌گیرنده - طلب خود را مطالبه کند (مسأله ۷، کتاب قرض). با این وجود، مطالبه از بدهکار تنگدست و تحت فشار قرار دادن وی حرام است، بلکه واجب است به وی تا زمان پیدا کردن توانایی بر ادای دین، مهلت داد (مسأله ۱۶، کتاب دین). همچنین، اگر بدهکار در زمان سررسید به دنبال ادای دین خود باشد، گرفتن آن واجب است و طلبکار نمی‌تواند از آن استنکاف کند (مسأله ۲، کتاب دین).

۵. احکام سررسید: دین سررسیددار با مردن مدیون، پیش از رسیدن سررسیدش، حال می‌شود، اما با موت طلبکار حال نمی‌شود (مسأله ۶، کتاب دین). تعجیل (جلو انداختن مدت) دین مدت‌دار، در برابر کم کردن از آن، با تراضی جایز است (مسأله ۸، کتاب دین). اقوی آن است که شرط کردن مدت در قرض، صحیح و عمل به آن لازم است و قرض‌دهنده قبل از رسیدن سررسید، حقّ مطالبه ندارد (مسأله ۱۶، کتاب قرض).

مطالعات اقتصادی - مالی در زمینهٔ مدیریت بدهی شخصی در اسلام، پیشینهٔ چندانی ندارد و لذا چندان زیاد نیست که ذیلاً بدان‌ها اشاره می‌شود.

کمیجانی و هادوی‌نیا (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای با عنوان «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نهاد قرض‌الحسنه را ابزار مناسب اسلام برای تحقّق نظام اقتصادی بدون ربا می‌دانند که سازگار با اهداف این نظام، یعنی کاهش فاصلهٔ طبقاتی و تحقّق عدالت اجتماعی است و مبتنی بر دو مشخّصهٔ مهم است که عبارت است از داشتن انگیزهٔ معنوی یا اخروی برای قرض دهنده و صرف آن در جهت رفع نیاز ضروری قرض گیرنده.

حبیبیان نقیبی (۱۳۸۱) در مطالعهٔ خود با عنوان «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعهٔ اقتصادی»، با مقایسهٔ مفاهیم رشد و توسعه و تبیین راهبردهای توسعهٔ اقتصادی، رابطهٔ قرض‌الحسنه و راهبردهای مذکور را بررسی نموده و نشان می‌دهد که بین نهاد قرض‌الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد، به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، هماهنگی و سازگاری ویژه‌ای وجود دارد.

حبیبیان نقیبی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه، نگرشی تفسیری ـ روایی» به دنبال اثبات این مطلب است که اگرچه اصطلاح قرض‌الحسنه در قرآن،

دلالتی بر قرض‌الحسنهٔ مصطلح ندارد، با این وجود برای اثبات صحّت و مشروعیّت قرض‌الحسنه، می‌توان از عمومات و اطلاقات قرآنی و نیز، احادیث بسیاری که در اصناف مختلف در مقام ترغیب به عرضه و تحدید تقاضا و نیز، مقایسهٔ قرض‌الحسنه با عقود دیگر آمده است، استفاده کرد.

عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵)، در مقالهٔ خود با عنوان «اندیشهٔ جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، با بررسی آمارهای شبکهٔ بانکی در دورهٔ ۱۳۶۳ - ۱۳۸۲، به این نتیجه می‌رسند که در این دوره، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از ۲۵ درصد در ابتدای دوره، به حدود ۱۰ درصد در سال‌های انتهایی دوره کاهش یافته است و سهم تسهیلات پرداختی قرض‌الحسنه از کلّ تسهیلات، تنها در حدود ۶ درصد بوده است که شاید این کاهش و سهم اندک را، بتوان ناشی از رونق صندوق‌های قرض‌الحسنه دانست.

موسویان و راه‌نشین (۱۳۹۳)، طی مطالعه‌ای با عنوان «حساب‌های قرض‌الحسنهٔ اختصاصی، راهکاری بهینه برای هدایت و مدیریت منابع قرض‌الحسنه در نظام بانکداری اسلامی»، با توسّل به مطالعات انجام شده، ناکارآمدی نظام بانکداری بدون ربای فعلی، در مدیریت وجوه قرض‌الحسنه را نشان داده و پیشنهاد تأسیس یک حساب قرض‌الحسنهٔ اختصاصی یا خاص را می‌دهند.

هادوی‌نیا و عرب بافرانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه»، نشان می‌دهند که اوراق قرض‌الحسنهٔ طراحی شده بر اساس عقد قرض‌الحسنه، همهٔ مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی آن را دارا است. به‌علاوه، از مزایای دیگری همچون شفافیت و هماهنگی با ماهیّت قرض‌الحسنه، اجتناب از ربا، فقرزدایی، تأمین مالی پروژه‌های کلان و عمومی، قابلیت انعطاف، قدرت نقدینگی، استفاده به عنوان وثیقه، مدیریت ریسک، جنبهٔ بین‌المللی پیداکردن قرض‌الحسنه نیز برخوردار می‌باشد.

مقدم، جانی‌پور و خلیلی (۱۳۹۶)، در مقالهٔ خود تحت عنوان «الگوی بازار قرض‌الحسنه براساس تحلیل محتوای آیات قرآن»، با محور قرار دادن الگوی بازار وجوه قابل استقراض در اقتصاد نئوکلاسیک و بررسی محتوای آیات قرآن و با توجه به حرمت ربا در اسلام، به این نتیجه می‌رسند که اسلام به دنبال جایگزین ساختن متغیّر

انگیزه‌های معنوی، به جای متغیّر ربا در این بازار است و با افزایش انگیزه‌های معنوی در جامعه، احتمال به تعادل رسیدن این بازار بیشتر شده و لذا، نیاز به قرض ربوی کاهش می‌یابد.

با وجود اهمیّت آثار فقهی، اما روش فقها، بررسی مسائل و استخراج احکام از منابع آنها، به روش جزءنگری است و این که آیا یک نظام مالی یا زیرنظامی از آن، دارای چه ویژگی‌هایی است یا چگونه می‌توان کارایی آن را افزایش داد، مدّ نظر نیست. مطالعات اقتصادی انجام شده نیز، دارای روش تحلیلی - توصیفی بوده و تنها مقدم و دیگران (۱۳۹۶)، از روش تحلیل محتوا استفاده نموده‌اند که آن نیز اولاً، با استفاده از آیات قرآن و ثانیاً برای استخراج یک الگوی اقتصادی، یعنی بازار وجوه قرض الحسنه بوده است. مطالعهٔ حاضر از این جنبه متفاوت است که اولاً رویکرد کاملاً روایی داشته و روایات یک باب را در کنار هم بررسی می‌کند و ثانیاً به دنبال استخراج نظام‌مندی نهاد مدیریت بدهی است.

ج. الگوی اسلام برای مدیریت زندگی

اسلام به عنوان دینی که برای ادارهٔ زندگی، از تولّد تا پس از مرگ تشریع شده، دارای تعلیمات و آموزه‌های فراوانی است که بخش عمدهٔ آنها را می‌توان در سه دستهٔ عقاید، اخلاق و احکام جای داد:

الف. عقاید یا آموزه‌های اعتقادی به معنای معارفی است که یک مسلمان، باید آنها را شناخته و بدان‌ها معتقد باشد، اگرچه عمدهٔ این معارف را توحید، صفات ذات باری تعالی، نبوّت عامّه و خاصّه می‌شمارند، اما می‌توان پاداش و عقاب اعمال مختلف را نیز بدان افزود، که اگرچه از آنها بازخواست نمی‌شود، اما اعتقاد بدان‌ها، بلاشک در رفتار انسان تأثیرگذار است و بدین دلیل نیز، منابع دینی شامل قرآن و روایات بدان پرداخته‌اند.

ب. بخش اخلاق: جمع خُلُق یا خُلْق به‌معنای صورت باطنی و ناپیدای انسان است که سرشت و سیرت نیز نامیده می‌شود. خُلق در اصطلاح، ملکه‌ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکرکردن، از انسان صادر می‌شود

(جوادی، ۱۳۸۲). به بیان دیگر «آموزه‌های اخلاقی، یعنی مسائل و دستورهایی که دربارهٔ چگونه بودن انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی است، از قبیل: عدالت، تقوا، شجاعت، عفّت، حکمت، استقامت، وفا، صداقت، امانت و غیره» (مطهری، ۱۳۸۵، ۵۷).

ج. **بخش احکام:** احکام عبارت است از قوانین و مقرراتی که یک دین برای پیروان خود وضع می‌کند تا وظیفهٔ عملی آنها را مشخص کند از قبیل نماز، روزه، خمس، اجاره و غیره.

علم کلام، متصدّی بخش عقاید است، علم اخلاق، متصدّی بخش دوم و علم فقه، متکفّل بخش سوم است.

با توجه به جامعیت دین اسلام، این آموزه‌ها در سراسر زندگی انسان مسلمان، از جمله حیات اقتصادی وی و ابعاد مختلف آن، شامل مدیریت مالی نیز جاری است. مثلاً در زمینهٔ قرض، اگر سه آموزهٔ زیر را در نظر بگیریم: ۱. ثواب قرض، هجده برابر ثواب صدقه است؛ ۲. با بزرگواری به دنبال گرفتن طلب خود باشید، نه با ستیزه‌جویی با بدهکار؛ ۳. به دنبال گرفتن زیادتی در قرض نباشید (حرمت ربا)؛ این سه آموزه به ترتیب، اعتقادی، اخلاقی و احکامی (رفتاری) محسوب می‌شوند.

لذا مقالهٔ حاضر، جهت‌گیری روایات را نیز مشخص کرده و آموزه‌های هر روایت را به تفکیک اعتقادی، اخلاقی و رفتاری استخراج می‌نماید.

د. روش تحقیق و جامعه آماری

یکی از جمله روش‌های مناسب برای تحلیل دستهٔ روایات، روش تحلیل محتوا می‌باشد که پس از مطالعهٔ انواع این روش، گونهٔ «تحلیل محتوای مضمونی»[1] بر مبنای واحد «جملات» و به صورت کمّی و کیفی و با تأکید بر «کلید واژگان» اصلی و فرعی انتخاب شد. کلید واژگان، موضوع اصلی، مرحلهٔ مدیریت بدهی، جهت‌گیری روایت و نقاط تمرکز هر کدام از روایات بر این اساس، استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم می‌شود.

1. Thematic Content Analysis.

به صورت جزئی‌تر، ابتدا متن اصلی حدیث در جداول تحلیل محتوا درج شده و واژگان کلیدی هر روایت، استخراج می‌شود تا از این طریق، موضوع یا موضوعات اصلی آن استخراج شود. سپس، جهت‌گیری روایت تعیین می‌شود که عبارت است از اعتقادی، اخلاقی یا احکامی. پس از آن، آموزه‌های روایت در مرحلهٔ مدیریت بدهی، تعیین می‌شود که توضیح آن به شرح ذیل است. به طور کلی، قبل از انعقاد عقد قرض، فرد، یا متقاضی وام و دریافت قرض است یا به دنبال دادن وام به دیگران است. پس از انعقاد عقد قرض نیز، بدهکار به دنبال بازپرداخت بدهی و طلبکار به دنبال وصول طلب خود است. در نهایت، نقطهٔ تمرکز هر روایت تعیین می‌شود.

پس از تکمیل جدول تحلیل محتوا، نوبت به استخراج اطلاعات آماری در ابعاد کلیدواژگان، موضوعات، جهت‌گیری، و مرحلهٔ مدیریت بدهی در قالب نمودار و جداول می‌رسد و در نهایت، این اطلاعات برای پاسخ به مسألهٔ تحقیق، مورد ارزیابی قرار گرفته و تبیین می‌شوند.

در حقیقت این امور، روش تحقیق و عملکرد محقّقان در این پژوهش را نشان می‌دهند.

جامعهٔ آماری

جامعهٔ آماری تحقیق حاضر، کلّیهٔ روایات ابواب دین و قرض جلد ۲۳ کتاب **جامع الاحادیث** شیعه می‌باشد که زیر نظر آیت اللّه بروجردی (۱۳۸۶) نوشته شده است. این کتاب، با نام کامل **جامع أحادیث الشیعة فی أحکام الشریعه**، توسط اسماعیل معزی ملایری و با ابتکار و نظارت آیت الله بروجردی در ۳۱ جلد به زبان عربی تألیف شده و حاوی احادیث فقهی است که احادیث کتب اربعه را نیز، در بر می‌گیرد و لذا جامع نامیده شده است. ترجمهٔ این کتاب به زبان فارسی، **منابع فقه شیعه** نام دارد. آنچه باعث شد تنها به روایات این کتاب اکتفا شود، همان جامعیت کتاب است، چراکه **جامع الاحادیث**، دربردارندهٔ همه روایات فقهی شیعه است و تلفیق اسناد، متون، رتبه‌بندی و نظم خاص، از ویژگی‌های آن است.

کلّ روایات باب‌های دین و قرض، ۲۴۲ روایت است که از شماره ۱۰۸۶ تا شماره ۱۳۲۷ را شامل می‌شود. با حذف روایات غیر مرتبط با مدیریت بدهی (همچون مجوز

پس دادن نان کوچک به جای نان بزرگ قرض گرفته شده)، ۱۹۷ روایت مورد تحلیل محتوای مضمونی قرار گرفت.

در جدول ۱، بخشی از جدول تحلیل محتوا به عنوان نمونهٔ کار، به نمایش در آمده است.

جدول ۱. نمونهٔ جدول تحلیل محتوای مضمونی روایات بدهی

شمارهٔ روایت	متن حدیث	کلید واژگان	موضوع اصلی	مرحلهٔ مدیریت	جهت گیری	نقاط تمرکز
۱۰۸۶	از بدهکاری بپرهیزید؛ چراکه آن ننگ دین است.	ننگ دین، پرهیز از بدهی	نتیجهٔ بدهکاری	دریافت قرض	اعتقادی	بدهکاری، موجب ننگ دین است.
۱۱۰۷	پیامبر اکرمﷺ هنگامی که رحلت فرمود، زره‌اش نزد یکی از یهودیان مدینه در مقابل بیست صاع - ۶۰ کیلوگرم - جو که برای نفقهٔ خانواده‌اش قرض کرده بود، رهن بود.	گرفتن قرض / وثیقهٔ بدهی	جواز قرض / گذاشتن وثیقه برای بدهی	دریافت قرض / پرداخت قرض	احکام / احکام	جواز گرفتن قرض با گذاشتن وثیقه
۱۱۲۲	از امام صادقؑ دربارهٔ مهلت خواستن از طلبکار سؤال شد. امامؑ فرمود: «به بدهکارِ پولداری که می‌خواهد امروز و فردا کند، مهلت داده نمی‌شود، ولی بدهکاری که می‌خواهد مالش را خرد کند و بفروشد، به مقدار این کار به او مهلت داده می‌شود».	بدهکار توانگر / تسویف بدهی (بدهکار) / تدبیر پرداخت بدهی	اهمیت پرداخت بدهی / چاره اندیشی برای پرداخت بدهی	وصول طلب / وصول طلب	احکام / احکام	عدم جواز مهلت به بدهکارِ پولدار / دادن مهلت به بدهکار برای تدبیر مال خود به منظور پرداخت بدهی

۱۲۳۰	ابراهیم بن عثمان گوید: «به امام صادق﵇ گفتم: من از شخصی مقداری درهم طلبکارم و خانه‌اش در برابر آن، در گِروی من است. می‌خواهم آن را بفروشم. امام﵇ فرمود: پناه بر خدا، از این‌که او را از زیر سقفی که بر سرش سایه افکنده، بیرون کنی!»	وصول طلب / وثیقهٔ بدهی / استعاذه / فروش منزل، کنیز، مزرعه برای پرداخت بدهی	رفتار با بدهکار تنگدست	وصول طلب	احکام /اعتقادی	عدم جواز فروش خانه برای پرداخت بدهی

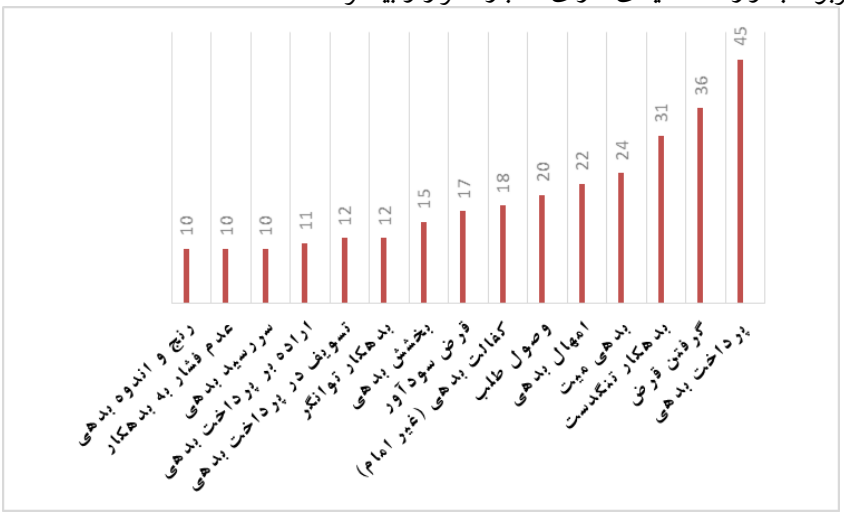
منبع: مطالعهٔ حاضر

هـ. نتایج تحلیل روایات

با تحلیل محتوای مضمونی روایات نتایج ذیل به دست آمد.

۱. کلید واژگان

با کدگذاری واژگان کلیدی، حدود ۶۰ کلمه استخراج شد که بیشترین تکرار، مربوط به پرداخت بدهی (۴۵ بار) و بعضی نیز تنها دارای یک بار تکرار بوده‌اند. نمودار ۱ مربوط به واژگان کلیدی دارای ۱۰ بار تکرار و بیشتر است.

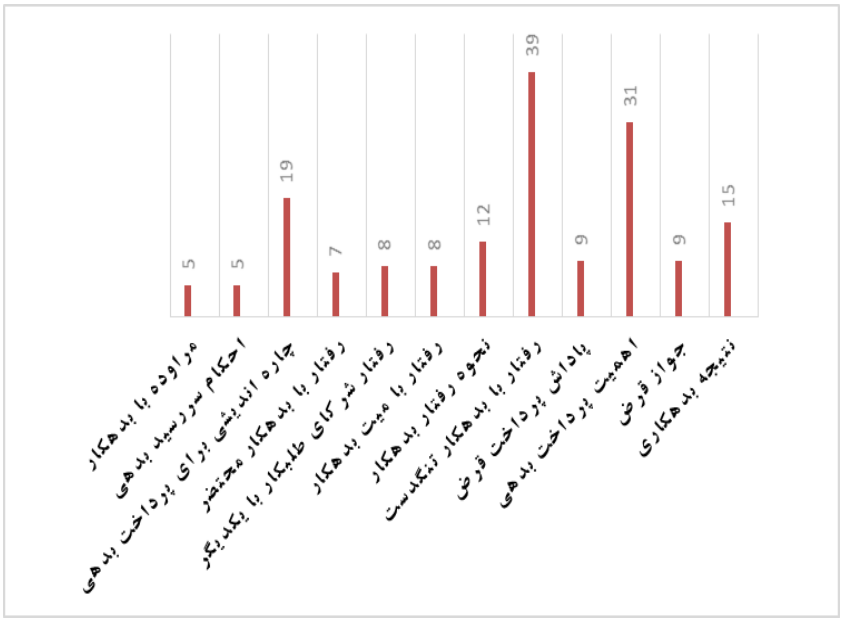


نمودار ۱. واژگان کلیدی دارای ۱۰ بار تکرار و بیشتر

همان گونه که نمودار نشان می‌دهد، ۴ واژۀ کلیدی اول، یعنی پرداخت بدهی، گرفتن قرض، بدهکار تنگدست و بدهی میِّت، مربوط به طرف گیرندۀ وام است.

۲. موضوعات اصلی روایات

با کدگذاری موضوعات، ۱۲ موضوع اصلی، یعنی موضوع دارای ۵ بار تکرار و بیشتر، استخراج شد که مطابق آنچه در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین تکرار مربوط به موضوع رفتار با بدهکار تنگدست (۳۹ بار) بوده است.

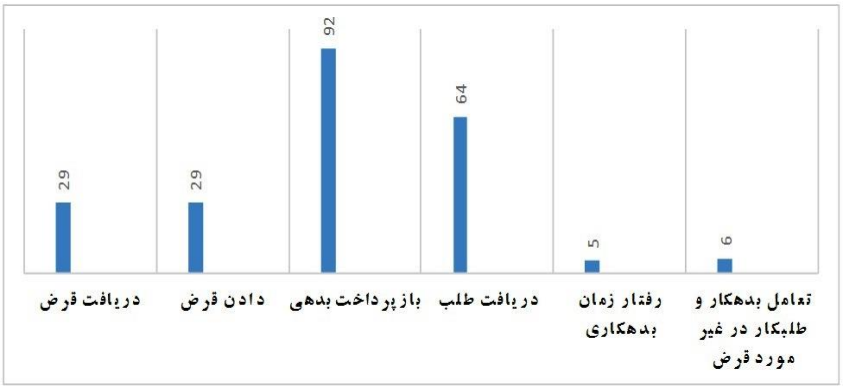


نمودار ۲. فراوانی موضوعات اصلی دارای ۵ بار و بیشتر تکرار

۳. ابعاد مدیریت بدهی

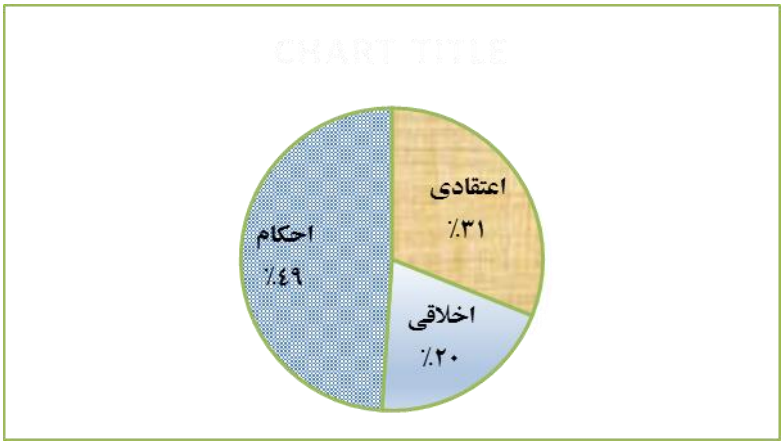
با کدگذاری ابعاد مدیریت بدهی، ۶ بعد شناسایی شد که همان‌گونه که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود، بیشترین تکرار مربوط به بُعد بازپرداخت بدهی می‌باشد که دو مورد آن کم تکرار می‌باشد و لذا، ۴ بُعد اصلی در مدیریت بدهی وجود دارد.

نمودار ۳. فراوانی ابعاد مختلف مدیریت بدهی



۴. جهت‌گیری روایات (سهم آموزه‌ها)

با تحلیل محتوای روایات، ۲۸۰ آموزه استخراج شد که به معنای وجود ۱/۴۲ آموزه، به ازای هر روایت است. تعداد و سهم آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکامی به ترتیب برابر با ۸۷، ۵۶ و ۱۳۷ آموزه است که به ترتیب، سهمی برابر با ۳۱، ۲۰ و ۴۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار ۴ درصد هر آموزه را به تصویر کشیده است.



نمودار ٤. سهم آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام در مدیریت بدهی

همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد، در حدود نیمی از آموزه‌ها، احکامی است که

با توجه به فقهی بودن کتاب، قابل پیش‌بینی است و در عین حال، نشان دهندهٔ اهمیت احکام در مدیریت جامعه در اسلام است. هم چنین، تنها ۲۰ درصد آموزه‌ها اخلاقی است.

۵. جهت‌گیری مدیریت بدهی در روایات

همان‌گونه که گفته شد، چهار بُعد اصلی در مدیریت بدهی وجود دارد. قبل از رد و بدل شدن قرض، دو طرف متقاضی وام و عرضه کنندهٔ وام وجود دارد و پس از پرداخت وام، گیرندهٔ وام بایستی به دنبال بازپرداخت بدهی و دهندهٔ وام، باید به دنبال وصول طلب خود باشد. همچنین، جهت‌گیری روایات به معنای نوع آموزه (اعتقادی، اخلاقی و احکام) است. در این بخش، در ابتدا آموزه‌های ذیل هر مرحله و سپس، سهم هر کدام در کل آموزه‌ها در قالب نمودار سهم بیان می‌شود.

جدول ۲. آموزه‌های روایات برای گیرندهٔ وام در زمان گرفتن وام قرض‌الحسنه

نوع آموزه	مصادیق	نتیجه
اعتقادی	عواقب بدهی: موجب ننگ دین؛ پرداخت در دنیا یا آخرت؛ بلای بزرگ؛ برابری با کفر؛ خواری خداوند؛ لزوم داشتن اراده بر پرداخت بدهی.	پرهیز از بدهی
اخلاقی	عواقب بدهی: رنج و اندوه؛ خواری؛ گرفتاری نفس؛ پیری چهره؛ سرگردانی ذهن؛ بی‌خوابی. برای حفظ آبرو می‌توان قرض نمود.	پرهیز از بدهی
احکام	جواز قرض گرفتن طبق سیرهٔ معصومین علیهم‌السلام در شرایط خاص (حفظ جان، حفظ دین، حفظ آبرو و...)	موارد اندک مجاز بودن گرفتن قرض

آن گونه که جدول ۲ نشـان می‌دهـد، عمـدهٔ روایـات در مرحلـهٔ گـرفتن وام، دارای آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی هستند که در مجموع، ناظر به کراهت گرفتن وام هستند. در عین حال، جهت‌گیری احکامی به روایاتی می‌پردازد که طبق شرایطی (حفظ جـان، دین و آبرو در حدّ ضرورت) اجازهٔ گرفتن وام را می‌دهند.

جدول ۳. آموزه‌های روایات برای زمان دادن وام قرض

نوع آموزه	مـصـادیـق
اعتقادی	پـاداش صـدقه بـرای قرض‌الحسـنه؛ ثـواب ۱۸ برابـری بـرای قرض‌الحسـنه؛ پاداش زکات برای قرض و پـاداش نمـاز بـا فرشـتگان بـرای قـرض دهنـده؛ پاداشی به اندازهٔ وزن کوه احد (و حـرا و ثبیـر) و کوه‌هـای رضـوی و طـور سینا در برابر هر درهم قرض‌الحسنه؛ تحریم بهشـت در صـورت وام نـدادن به مسلمان نیازمند؛ عدم استجابت دعای طلبکـار در صـورت عـدم گـرفتن بیّنه و وثیقه یا نوشتن قرض و سپس دعا برای وصول طلـب خـود؛ پرداخـت قرض موجب نورانی شدن قلـب؛ عفـو الهـی بـرای وام دهنـده بـه بـدهکار تنگدست.
اخلاقی	لـزوم قبـول تعهّـد انسـان مـؤمن بـه بازپرداخـت قـرض؛ محبـوب‌تر بـودن قرض‌الحسنه از صدقه.
احکام	گرفتن بیّنه و وثیقه؛ نوشتن قرض یا اعتماد به مسـلمان امـین؛ جـواز پـذیرش منافع دیگر بدهکار توسط طلبکار، بدون اشتراط آن در ضمن عقـد قـرض؛ جایز نبودن افزایش بدهی در ازای افزایش مدت؛ پرهیز از ربا.

همچنان که از جدول فوق آشکار است، اسلام برای برانگیختن افراد به دادن وام یـه یکدیگر، از آموزه‌های اعتقادی استفاده می‌کند و سود معنوی (ثواب ۱۸ برابری، نورانی شدن قلب، عفو الهی و...) را جایگزین سود ربوی می‌کند.

جدول ۴. آموزه‌های روایات برای زمان بازپرداخت بدهی

نوع آموزه	مصادیق
اعتقادی	همراهی خداوند و یاری فرشتگان با بدهکاری که قصد پرداخت بدهی خود را دارد؛ برخورداری وی از محبت معصوم؛ نترسیدن از تنگدستی برای پرداخت بدهی و اتکال به قدرت الهی؛ شهادت، هر گناهی را می‌پوشاند به‌جز بدهی را؛ تأخیر توانگر در پرداخت بدهی، ظلم و گناه است؛ درود جنبنده‌های زمین و ماهیان دریا بر بدهکاری که طلبکارش راضی و خشنود از نزدش باز گردد؛ لزوم مهاجرت شخص بدهکاری که در شهر خود کسب و کار و در آمدی ندارد، به منظور جستجوی مالی به منظور پرداخت بدهی‌اش؛ کفالت پیامبر (در زمان حیات و ممات) بر پرداخت بدهی میّت بدهکار تنگدست؛ خواندن دعا، نماز، قرآن و استغفار برای ادای قرض؛ تضمین اجابت دعا برای پرداخت بدهی توسط خداوند.
اخلاقی	خوش‌خلقی با طلبکار، تصمیم بدهکار بر یافتن طلبکار یا وراث وی؛ در صورت امکان، گرفتن کفیل بدهی در صورت تنگدستی بدهکار محتضر؛ استحباب پرداخت بدهی به مقدار بیشتر و مرغوب‌تر بدون اشتراط؛ استحباب پرداخت بدهی پدر و مادر.
احکام	وظیفهٔ فرزندان در ادای دیون والدین، تسویهٔ بدهی میّت قبل از تقسیم ارث؛ ندادن مهلت به بدهکار توانگر؛ عدم قبول شهادت بدهکار توانگر؛ وجوب پرداخت بدهی مقتول مفلس از دیه‌اش؛ حال شدن تمام دیون و مطالبات میّت با مرگ او؛ عدم جواز فروش خانه، مزرعه و کنیز برای پرداخت بدهی؛ جواز معاملهٔ کالا با دین.

هم‌چنان که گفته شد و جدول فوق نیز نشان می‌دهد، بیشترین حجم آموزه‌ها، مربوط به بازپرداخت بدهی توسط بدهکار است و این، نشان دهندهٔ اهمیتی است که

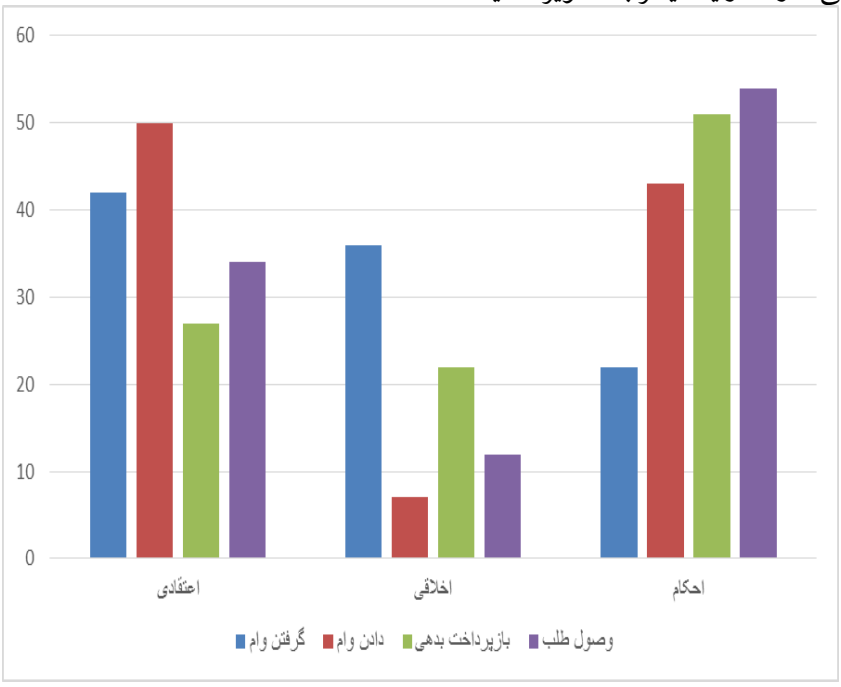
اسلام برای حقوق طلبکار قائل است، به‌طوری که تمام حالاتی که ممکن است بدهکار با آن روبرو شود ـ مانند مرگ، قتل، شهادت، افلاس، نداشتن کسب و کار در وطن و... ـ پیش‌بینی شده و برای آن، راهکار اندیشیده شده است.

جدول ۵. آموزه‌های روایات برای زمان وصول طلب

نوع آموزه	مصادیق
اعتقادی	پاداش صدقه بر صبر در تأخیر وصول بدهی؛ عبور طلبکار از صراط به‌سان برق جهندهٔ درخشان در صورت نرمش در مطالبهٔ طلب پس از سررسید؛ گذاشتن طلب خود به حساب زکات در صورت عدم وصول؛ برخورداری از سایهٔ الهی در قیامت در صورت دادن مهلت به بدهکار تنگدست یا بخشش کل یا قسمتی از بدهی وی؛ برانگیخته شدن با چهره‌ای نورانی با لباسی از نور و نشسته بر کرسی‌ای از نور برای مهلت دهنده به بدهکار تنگدست؛ خداوند، فرصت دادن به بدهکار تنگدست را دوست دارد؛ عفو الهی برای فرصت دهنده به بدهکار تنگدست؛ ثواب ده برابری در صورت بخشیدن بدهی میّت
اخلاقی	گرفتن با بزرگواری و کرامت نه با ناسزا
احکام	عدم مهلت به بدهکارِ پولدار؛ مهلت به بدهکار برای تدبیر مال خود به منظور پرداخت بدهی؛ تأدیب بدهکار توانگر امروز و فردا کننده در پرداخت بدهی؛ تأخیر بدهکار توانگر، ریختن آبرو و مجازات او را حلال می‌کند؛ جایز نبودن در تنگنا قرار دادن بدهکار ناتوان؛ توقیف اموال بدهکار توانگر در صورت عدم پرداخت؛ پرداخت بدهی تنگدست از سهم غارمین؛ کراهت تحت فشار شدید گذاشتن بدهکار؛ کراهت مطالبه طلب در بیت اللّه الحرام؛ جواز نقد کردن بدهی با کاهش مقدار آن؛ جواز نقد کردن بخشی از بدهی با افزایش مدّت بقیه؛ تقسیم طلب مشترک وصول شده بین شرکا.

آن چنان که جدول فوق نشان می‌دهد، آموزه‌های اعتقادی و احکامی زیادی برای وصول طلب وجود دارد که نشان دهندهٔ راهکارهای متفاوتی است که اسلام برای دستیابی طلبکار به حقّ خود، در عین عدم اجحاف به بدهکار اندیشیده است. البته در صورتی که بدهکار توانگر باشد و در بازپرداخت بدهی خود، امروز و فردا کند، برای وی مجازات هم پیش بینی شده است.

در نمودار ۵، سهم هر کدام از این آموزه‌ها در این چهار مرحلهٔ اصلی مدیریت بدهی، در کنار یکدیگر به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۵. مقایسهٔ سهم آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکامی در چهار مرحلهٔ اصلی مدیریت بدهی

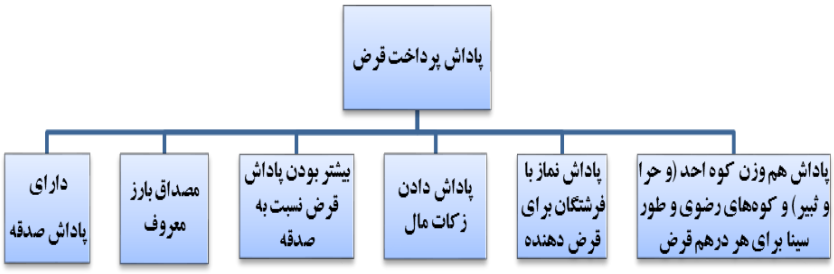
همان گونه که نمودار ۵ نشان می‌دهد، بیشترین سهم آموزه‌های اعتقادی، مربوط به مرحلهٔ دادن وام، بیشترین سهم آموزه‌های اخلاقی، مربوط به گرفتن وام و بیشترین سهم آموزه‌های احکامی، مربوط به مراحل وصول طلب و بازپرداخت بدهی است.

و. الگوی اسلام برای مدیریت بدهی

همواره در افراد، گروهی هستند که نیازمند گرفتن قرض هستند ، نه صدقه ، زیرا در زمانی دچار کسری بودجهٔ خانوار هستند (مثلاً با یک مخارج غیر قابل پیش‌بینی، روبرو می‌شوند)، اما با درآمدهای آتی خود، امید پرداخت این کسری را دارند. این افراد، روا نیست از قرض ربوی استفاده کنند، زیرا از مال خود، بهرهٔ مالی به دست نیاورده‌اند که وام گیرنده را نیز در آن شریک کنند. از طرف دیگر، آن قدر هم فقیر نیستند که بخواهند از صدقه استفاده کنند، لذا نظام مالی اسلام با تحریم کردن ربا، باید به دنبال راهکارهای جایگزینی برای ایجاد بازار وجوه استقراضی باشد که همان نهاد قرض‌الحسنه است (محققنیا، ۱۳۸۸).

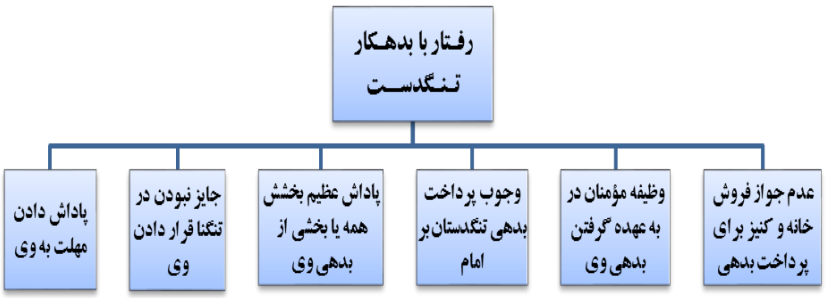
مشکل دیگر، از ناحیهٔ تقاضای وجوه آن است که با حذف ربا، تقاضا برای این وجوه بالا رفته و حتی افراد غیر نیازمند هم ممکن است متقاضی آن شوند. راهکار اسلام، استفاده از انواع آموزه‌ها به‌ویژه اخلاقی، برای حضور افراد صرفاً نیازمند در طرف تقاضای این بازار است. روایات، عواقب زیادی برای بدهی برشمرده‌اند از جمله موجب ننگ دین، پرداخت در دنیا یا آخرت (پرداخت قطعی بدهی)، بلای بزرگ، برابری با کفر و خواری خداوند. با این وجود، اسلام اجازهٔ گرفتن قرض را در مواردی همچون حفظ جان (برای سد جوع)، آبرو و دین (مثلاً به جای آوردن حج و ازدواج) داده است.

با توجه به حرمت ربا، افراد باید بدون انگیزهٔ کسب سود، به دیگران قرض دهند. راهکار اسلام، استفاده از انگیزه‌های معنوی است. در نمودار ۶، نقاط تمرکز موضوع پاداش پرداخت قرض ذکر شده است.



نمودار ٦. نقاط تمرکز پاداش پرداخت قرض

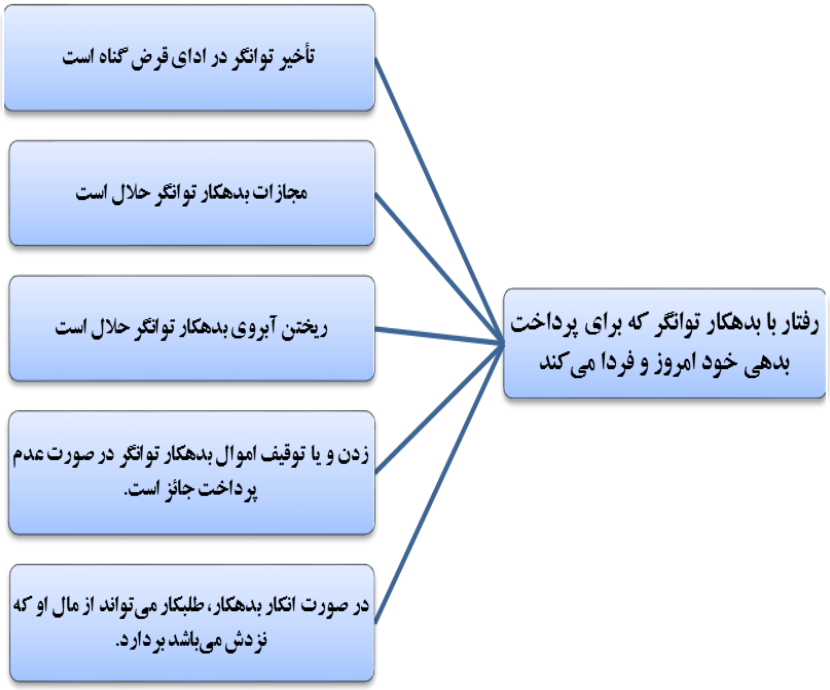
در عین حال ممکن است، بدهکار به هر دلیل، درآمد پیش‌بینی شده‌اش محقّق نشده و نتواند از عهدهٔ بدهی خود برآید. این چنین بدهکاری، تنگدست بوده و اسلام اجازه نمی‌دهد از حیات طبیعی بی‌بهره شود و حتی اگر مالی مانند منزل یا مزرعه وثیقه گذاشته باشد، نمی‌توان آنها را از وی سلب کرد و باید بدهی وی، از سهم غارمین پرداخت شود. در نمودار ۷ نقاط تمرکز بدهکار تنگدست، آمده است.



نمودار ۷. نقاط تمرکز موضوع رفتار با بدهکار تنگدست

همان‌گونه که نمودار بالا نشان می‌دهد، راهکارهای مختلف مادی و معنوی برای استیفای حق طلبکار از بدهکار تنگدست، پیش‌بینی شده است. در صورتی که بدهکار توانگر باشد و در پرداخت بدهی خود تعلل کند، راهکارهای فوق الذکر جوابگو نبوده و از راهکارهای متفاوتی استفاده می‌شود که در نمودار ۸ ذکر شده است.

در طرف عرضه، وجوه استقراضی مسلمین، الگوی ویژهٔ توزیع درآمد بین مخارج مصرفی خود را دارند و درآمد خود را بین مصرف، مالیات دولتی، مالیات مذهبی (خمس، زکات و...)، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و انفاق (به‌طور عمده شامل صدقه و قرض‌الحسنه) تقسیم می‌کنند. هر چه ریسک بازگشت قرض‌الحسنه کمتر باشد، افراد، درصد بیشتری از پس‌انداز خود را به این امر اختصاص می‌دهند، لذاست که می‌بینیم اسلام برای رسیدن طلبکار به حقّ خود، راهکارهای متنوعی با تأکید بر احکام اندیشیده است که در صورت عمل بدان‌ها، در اکثر موارد، حقّ طلبکار ضایع نخواهد شد.



نمودار ۸. نقاط تمرکز رفتار با بدهکار توانگر

نتیجه‌گیری

در نظام مالی اسلام به دلیل تحریم ربا، انگیزه‌های مادی برای قرض‌دهنده وجود نخواهد داشت و در عین حال، افراد غیر نیازمند هم برای استفاده از وام بدون بهره (قرض‌الحسنه) و استفاده از آن برای مصارف غیر ضروری و حتی سرمایه‌گذاری، تشویق می‌شوند. هدف مطالعهٔ حاضر، استخراج الگوی مدیریت بدهی در اسلام براساس روایات و راه حلی است که معصومین علیهم‌السلام پیشنهاد کرده‌اند. برای این کار، ۱۹۷ روایت مرتبط از جلد ۲۳ کتاب شریف **جامع احادیث شیعه**، مورد تحلیل محتوای مضمونی قرار گرفت. نتائج، گویای وجود یک الگوی منسجم و مفصّل برای مدیریت بازار بدهی و قرض، شامل آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری (احکام) است که اگر به صورت سبک زندگی درآمده و در زندگی افراد نهادینه شود، هم نیازهای مادّی

وام‌گیرنده برطرف شده و هم نیازهای معنوی وام‌دهندگان برآورده می‌شود، که ذیلاً به‌طور خلاصه بدان اشاره می‌شود:

- ایجاد کراهت نسبت به گرفتن قرض در قرض‌گیرنده: از قرض گرفتن در روایات، با تعابیری همچون ننگ دین، خواری روز، خواری الهی، معادل کفر، اندوه شب و... یاد شده است و البته در مواردی هم مانند ازدواج، حج یا نداشتن خرجی، مجوّز گرفتن قرض صادر شده است. در این صورت، تنها نیازمندان واقعی به سمت استفاده از قرض‌الحسنه تمایل پیدا می‌کنند.
- تشویق مسلمین به دادن وام: به دلیل نبود انگیزه‌های مادی، اسلام با پیشنهاد منافع معنوی همچون ثواب نماز با فرشتگان، پاداش بیشتر نسبت به صدقه، پاداش زکات مال و... به تشویق دادن وام به دیگران پرداخته است.
- در الگوی اسلامی مدیریت بدهی، به این نکته توجه شده که کلید تشویق دیگران به دادن قرض و در نتیجه، کلید موفّقیت این الگو، پرداخت بدهی است. این موضوع، از کلید واژگان استخراجی از روایات نیز پیدا است، چنان که کلید واژهٔ پرداخت بدهی (۴۵ بار تکرار)، پرتکرارترین است. در عین حال، راهکارهای متنوعی برای وصول طلب اندیشیده شده است که در صورت اجرا، یقیناً طلبکار به حقّ خود می‌رسد، مثلاً انواع راه‌ها برای پرداخت بدهی بدهکار تنگدست تا دادن مجوّز مجازات و ریختن آبروی بدهکار توانگر مماطل و توقیف مال وی.
- بدهکار اگر ناتوان شد، راهکارهای مختلف اجتماعی (همچون برعهده گرفتن بدهی توسط دوستان، فرزند) و اعتقادی (خواندن دعا، نماز و قرآن) برای بازپرداخت آن پیش‌بینی شده که موجب تقویت سرمایهٔ اجتماعی و دینداری افراد می‌شود.
- اسلام برای مدیریت قرض از ابعاد مختلف وجودی انسان بهره می‌برد و از آنجا که انسان دارای سه ساحت اندیشه، اخلاق و رفتار است، تمام این سه ساحت را درگیر می‌کند، برخلاف الگوی غربی که تا حدّ زیادی رفتاری است. بدین ترتیب، هم آبادانی دنیای نیازمندان وام را در نظر دارد و هم آبادی آخرتِ دهندگان وام را، لذا انگیزه‌های مادّی و معنوی را در هم تنیده و دنیا و آخرت را، در کنار هم مورد توجه قرار می‌دهد.

- برای موفّقیت مدیریت قرض در جامعه، لازم است انگیزه‌های معنوی و اخلاقی و نظام‌های فقهی و حقوقی، هم زمان با هم مورد ملاحظه قرار گیرند. به‌ویژه، لازم است نظام تعلیم و تربیت، توجه ویژه‌ای به مهارت‌های وام‌دهی و دریافت وام داشته باشد؛ به ویژه سوء استفادهٔ افراد از اعتماد یکدیگر، که در نتیجهٔ عدم توجه به راهکارهای حقوقی اسلامی (نوشتن قرض، گرفتن شاهد و وثیقه) پدید می‌آید و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

نکتهٔ مهم آخر آن که، این پژوهش را می‌توان نوعی آزمون استفاده از روش‌های کیفی در مطالعات اقتصادی دانست. روش تحلیل محتوا، به دلیل خالی بودن از پیش‌فرض‌های فلسفی، از ساده‌ترین روش‌های تحلیل کیفی است و تنها فرض آن، معادل دانستن تکرار واژگان با اهمیّت موضوع است، یعنی واژگان دارای تکرار بیشتر، دارای اهمیّت بیشتری هستند. همچنان که در خلاصهٔ الگوی مدیریت بدهی فوق‌الذکر دیده می‌شود، در بسیاری از کتب فقهی، به چارچوب این الگو در قالب احکام فقهی اشاره شده است، لذا می‌توان گفت روش تحلیل محتوا، عمدتاً یک نوع بسته‌بندی محتوا در قالبی جدید است که حدّاقل در رشتهٔ اقتصاد، دانش جدید چندانی ایجاد نخواهد کرد. در عین حال، برای افراد فاقد توان ورود فقهی به آیات و روایات، به دلیل تشکیل خانوادهٔ حدیث و استخراج مضامین از کلّ روایات موجود در یک موضوع، ابزار خوبی برای تحلیل ارائه می‌کند.

کتاب‌نامه

۱. باشی‌زاده، حسام‌الدین و عشیر، امین، (۱۳۹۴)، **بررسی و ارائهٔ راهکارهای نوین در ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه**، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، استانبول.

۲. برانسون، ویلیام اچ، (۱۳۸۳)، **تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان**، ترجمهٔ عباس شاکری، تهران، نشر نی.

۳. بروجردی، آقاحسین، (۱۳۸۸)، **جامع احادیث الشیعه**، ترجمهٔ احمد اسماعیل‌تبار، احمدرضا حسینی و محمدحسین مهوری، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.

۴. بیدار، محمد، (۱۳۹۱)، **بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبهٔ آن در بانکداری اسلامی**، دوفصلنامهٔ معرفت اقتصاد اسلامی، ش۷.

۵. جوادی، محسن، (۱۳۸۲)، **اخلاق، دائرة المعارف قرآن کریم**، قم، بوستان کتاب.

۶. حبیبیان نقیبی، مجید، (۱۳۸۱)، **قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعهٔ اقتصادی**، فصلنامهٔ نامهٔ مفید، ش۳۱.
۷. حبیبیان نقیبی، مجید، (۱۳۸۳)، **قرض‌الحسنه؛ نگرشی تفسیری – روایی**، فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی، ش۱۶.
۸. خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۷)، **تحریر الوسیله**، ترجمهٔ محمدباقر موسوی همدانی، قم، دار العلم.
۹. عرب‌مازار، عباس و کیقبادی، سعید، (۱۳۸۵)، **اندیشهٔ جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران**، فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی، ش۲۲.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، **اصول کافی**، ترجمه و شرح فارسی محمدباقر کمره‌ای، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱۱. کمیجانی، اکبر و هادوی‌نیا، علی‌اصغر، (۱۳۷۷)، **درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن**، فصلنامهٔ نامهٔ مفید، ش۱۴.
۱۲. مارشال، گوردون، (۱۳۸۸)، **فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد**، ترجمهٔ حمیرا مشیرزاده، تهران، نشر میزان.
۱۳. محقّق‌نیا، محمدجواد، (۱۳۸۸)، **بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران**، دوفصل‌نامهٔ معرفت اقتصاد اسلامی، ش۱.
۱۴. مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا، (۱۳۷۳)، **فرهنگ اقتصادی**، تهران، مؤسسهٔ کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه.
۱۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، **آشنایی با علوم اسلامی**، قم، انتشارات صدرا.
۱۶. مقدم، وحید و دیگران، (۱۳۹۶)، **الگوی بازار قرض‌الحسنه براساس تحلیل محتوای آیات قرآن**، فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی، ش۶۵.
۱۷. موسویان، سیدعباس و راه نشین، علی، (۱۳۹۳)، **حساب‌های قرض‌الحسنهٔ اختصاصی راهکاری بهینه برای هدایت و مدیریت منابع قرض‌الحسنه در نظام بانکداری اسلامی**، دوفصلنامهٔ معرفت اقتصاد اسلامی، ش۱۱.
۱۸. هادوی‌نیا، علی‌اصغر و عرب بافرانی، بهنام، (۱۳۹۵)، **بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه**، فصلنامهٔ اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش۱۶
19. Ando ،Albert & Modigliani ،Franco (1963)،The "Life Cycle" Hypothesis of Saving: Aggregate Implications and Tests